

مملکت از سنه ۷۰۰ و ۷۰۰ هجری الی سنه ۷۰۰ هجری و نود و هشت بتصرف مسلمانان
 بود کیفیتش محلی است که در زمان خلافت ولید بن عبد الملک عهد
 ابن مروان عم خود را بحکومت مصر فرستاد از جانب عبدالقاهر
 موسی بن نصیر به تخریب ممالک بربری نامور شد اکثر ممالک مغرب را
 متخر کرد سیصد هزار اسیر آورد و علام خود طارق بن زیاد بر بری
 بحکومت طنجه و مضافاتش منصوب و خود مراجعت مصر نمود بعد از
 آن ب طارق نوشت که به مملکت اسپانیا شتافت مشغول تخریب مملکت
 و امر جهاد شود طارق حسب الحکم با شکری که دو آزرده هزار و دو آزرده
 نفر کم سواره بود بر سفاین سوار شده در ساحل اسپانیا
 و امن گو میکه معروف بحیل طارق است و بزبان فرنیجی حیران
 میگویند نزول نمود از کوه صعو و کرده داخل خاک اسپانیا گردید
 پادشاه اسپانیا لاریق نام داشت چون از آمدن سپاه آگاه

از شعبه جبرائیل متصل
 به بچرانیک میشود
 و غرضش قریب به پنج
 فرسخت و فاصله
 بین المملکتین بر بر و
 و اسپانیولت
 معبر بود

کشت

گشت با همقاد و هنر سوار بر جاده ایشان شتافت چون مقابله صفین
شد اعراب و بر بریان بکب رکی تکا و در آنچیند و جلوریز بر ایشان خفته
طارق خود را بلذریق رسانید شمشیری بر فرقتش نوشت و بدیای
بوارش روانه ساخت از لشکر بانش جمعی مقتول و برخی ماسور و بقیه
روی بهر میت نهادند طارق بلاد آن مملکت را مفتوح و متصرف شد
از آن زمان این مملکت بتصرف مسلمانان بود تا در سده هشت صد و نود
و دو فرودینند و امی زبلا که سر یک حکومتی علایده داشتند و سبب
از دو واج کار ایشان رواج گرفت صاحب تخت و تاج گردیدند ملک
و مکه اسپانیا شدند سلطنت مسلمانان در آن بلاد با خرسید اکنون
گویند امی زبلا ثانی و حشر فرودینند هفتم پادشاه آن مملکت پست و
سالت که سلطنت انگشور سه افراز است سلاطین ماضیه این کشور
و انام سلطنت آنها از سده چهار صد و پست و شش هجری بدین

مویبت زمیروسی ویکسال سچورسی و دو سال پطرده سال
 الفونوسی ویکسال زمیر دوم سه سال پطربلا ووری موند
 پست و شش سال الفونو دوم سی پنج سال پطردوم هجده سال
 چمیس اول شصت و پنج سال پطربسیم نه سال الفونو ششم شش سال
 چمیس دوم سی و هفت سال الفونو چهارم ده سال پطربچهارم
 پنجاه و دو سال جان اول نسیال مرتین اول نازده سال ایام فرت
 دو سال فردینسند چهار سال الفونو پنجم چهل و سه سال جان دوم
 پست و دو سال فردینسند پنجم سی هشت سال چارلس و فلیب
 اول چهل و یکسال فلیب دوم چهل و چهار سال فلیب سیم
 پست و سه سال فلیب چهارم چهل و شش سال چارلس دوم سی و
 شش سال فلیب پنجم پست و چهار سال لوئیس اول چند ماه
 فلیب پنجم مجدداً پست و دو سال فردینسند ششم چهارده سال

چارلس نهم سی سال چارلس چهارم پست و یکسال فرودین نهم
چند ماه و جوزف برادر ناپلیون شش سال فرودین نهم مجدداً

پست سال

دیگر از ممالک اروپا مملکت پورتگالست

که سابقاً جزو مملکت اسپانیا بود و حال قریب دوایت و
سی سالست که موضوع شده این ملک در همه چیز با اسپانیا
مغایرت ندارد و وسعت این ملک یکصد و پست فرسخ طول و چهل
فرسخ عرض دارد و سواهی نصی شرفی از ممالک خارج شامل شبت
کرد و رفوسست که در مایات و منافع ولایتی دارند سی هزار و شکر
این دولت است چهل و سه و نه هزار جنگی دولتی دو بیت و پنجاه
هزار تجارتی این ملکت قرض دولتی پست و شش کرد و رست پانخت
شهر لیزبونست که مشتمل بر دو بیت و شصت هزار نفوسست

شجرى با صفا و مرغوبست و اطول لیالی و ایامش چهارده عت
 و چهل و دو دقیقه است دیگر شمس کا یمز و بزکا و پور تود
 و برکنند و رود خای معروفش تنگس و درو و تیحو
 میباشد پسر کوچکی کون مرید و دم پادشاه حال این ملک است پیر
 به هفت سال است که این طفل صغیر تاج سلطنت بر سر گذاشته
 چون طفلیت پدرش بر حسب صوابید امر او اعیان بوکالت پسرش
 با مور سلطنت رسیدگی میناید تا آنکه پادشاه بزرگ شود حکام
 و سلاطین این مملکت از شش چهار صد و هشتاد و شش هجری و زمان
 سلطنت آنها بدین موجب است هجری بیست سال الفونسو ^{پنجم} و یک
 شانزده سال الفونسو بالا نفر او دو از ده سال دیگر حکم از منوده بعد از
 آن اسم پادشاهی بر آن اطلاق شده بعد از رسیدن بر تبه
 سلطنت چهل و هفت سال پنجاه و اول بیست و هشت سال

الفونودوم یازده سال سنجودوم یک سال الفونوسیم پنجاه و هفت
سال ونیس چهل و هفت سال الفونو چهارم سی و سه سال
پتر میت و هشت سال جان اول پنجاه و یک سال اودر دوج
سال الفونو پنجم چهل و چهار سال جان دوم چهارده سال
امنویل میت و هفت سال جان ششم سی و هشت سال سبتین
میت دو سال هنری دو سال بعد از این پادشاه نهمک
مدتها خیمه مملکت اسپانیول شد تا سنه هزار و پنجاه هجری جان
چهارم لشکر اسپانیول را اخراج و خود مالک تخت و تاج شد مدت
سلطتش شانزده سال شد الفونو ششم میت و هشت سال
پتر دوم میت و چهار سال جان پنجم چهل و پنج سال جوزف میت و
هشت سال مرینونیس انی زبلا و پتر ششم معا سلطنت
نموده اند نه سال مرینونیس هشت سال قایم مقام پادشاه چهار

سال جان ششم ده سال بطر چهارم دام پدر و چند ماه مرید دوم

و کلاریه سه سال دام میکائیل پخبال مرید دوم مجدد و پادشاه

شد پست سال متصرفی خارجه هند دولت جزایر

از زورس است که هفت عدد جزیره است هوای این جزایر خوب و

مرغوب است غله و انگور و نارنج و میوه بسیار میوه های گرمسیری

بفرادانی مبل میاید دیگر جزیره پیراست که هوایش خوب و

اشجارش همیشه بطراوت و حضرت خود باقیست و جزیره بزرگش

چهل فرسخ دوزه آنت تخمینا صد هزار نفوس دارد و قصبه

بزرگ آنجا و نخلست اطول سیالی و آبش چهارده ساعت

و پنج دقیقه است دیگر جزایر کم و رود است در ساحل امرتیا که عدد

انها شانزده است و عدد نفوس تخمینا صد هزار است و جزیره

بزرگش نجاه دوه فرسخ دوزه آنت و پاستخت این جزیره پورتور است

که اطول بیالی و ایامش دوازده ساعت و پنجاه دقیقه است و دیگر
جزیره پرنس است در فریقا دیگر جزیره سنت تاس است در فریقا
تحت خط استوا و در آن ده فرسخ است نیشکر و نارنج و لیمو و
انگور و ارزن در آنجا بسیار است و دیگر بندر سنت فلیب و بندر
نیکولا است در فریفا دیگر کوه است که یکی از شهرهای بندر است
در ساحل پیار و بندر و سنت دیگر جزیره ملو است در حوال
بندر کتون چین که جمعیتش شصت و هفت هزار می شود در هندوستان
پنجاه جزیره تصرف کرده اند و اول شیمنی که امالی فرنگستان را در

مملکت چین برقرار شد پنجاه است

متصرفی دولت اسپانیا و در خارج از این مقام است

جزیره کوبه و جزیره پورتو ریکو و چند جزیره کوچک از هند

الغرب است اما جزیره کوبه دولت وی فرسخ طول و فرسخ

عرض دارد و جمعیت آنجا را ششصد و پست هزار شماره در آورده اند
محصولاتش شکر و قهوه و تنباکو و عسل و صبر است قصبه
پاشمش را هونزه گویند که یکصد و سی هزار جمعیت دارد و جزیره
یوز توریکوسی و چهار فرسخ طول و سی فرسخ عرض دارد جمعیتش
یکصد و پنجاه هزار است و محصولاتش شکر و قهوه و تنباکو
و پنبه و برنج است و پاشمش قصبه شبنم است که سی هزار نفوس
در آنجا است و اطول بیابالی و ایامش سیزده ساعت و چهار
دقیقه است دیگر جزیره چیلوست که پنجاه فرسخ طول و دو هزار و
فرسخ عرض دارد در قسمت افریقا جزایر کناری و ستریت
که بندریت و بنان و ولینز و بیلات که آنهم بندر است اما جزایر
کناری که جزایر خالده اش نیز گویند هفت جزیره اش مسکونت
و قصبه بزرگ آنجا است که راست که اطول بیابالی و ایامش چهارده

ساعت و چهار نصدقیه است و جمعیت همه این جزایر صد و هشتاد

هزار است و در آسیا جزیره فیلیپین و جزایر هند است در بحرین

و جمعیت همه این جزایر شصت و هفت است و در است و جزایر هند همیشه

بسر و خرم است و اما لی این جزایر مانوس و مهربانند دیگر جزایر لدرون در

محیط با سفیک است یازده جزیره است در این جزایر میوه های گرمی

و شجرانختر زیاد و دوفراست و جزایر از آنچه مذکور شد جزایر دیار

متعدده در تصرف این دولت است

دیگر از ممالک اروپا ملک سوئیت زرنید است

که ملکی مخترد و کوچک و اغلب کوهسار است و عدد نفوسش چهار

کرور و یکصد و چهل هزار است و حکمران این ملک جمهوریه است

در رئیس الجمهوره اندامن گویند و پادشاهت ایشان شهرت است

که شهر طرف زیباست اطرافش لطراوت و خرمی معروف است

اطول لیالی و ایامش بازده ساعت و سی و پنج دقیقه است دیگر شهر
جنو و جبل و زوریک و لوزرن و لاسن و سنت گلین و اسپنمان
و اتارفت طول این مملکت سیصد فرسخ و عرضش چهل و هفت فرسخ
امالی این مملکت کمال جلالت و رشادت را دارند و ولت‌های دیگر عند
الضروره از ایشان چریک اجیر نمایند نهایت خدمت و قصد
بوجر خود معمول میدارند

دیگر از ممالک اروپا مملکت ایتالیا است

مملکت طویلست که عرضش مائیه کم است چنانچه دولت و ملت
فرسخ طول و چهل فرسخ عرض دارد ارزش حاصل خیز و هوایش
طرب انجیر است نسبت ببار ممالک اروپا کمال مهتیا را دارد
سوابق از منته دولتی قوی و موطن شاهنشاهان و شیوکت و شان بود
ولا در این از منته پنج قسمت منقسم شود و در می از آن تبصره

دولت استرید و برخی اطاعت پاب که خلیفه مذہبت و بعضی بدولت
سرودینید و قدری پادشاهی نیلپس معروف شده و قدری دیگر
در میان حکام امالی مملکت منقسم و متصرف میباشند و جمعیت بمقتضای
این مملکت چهل و چهار کرور و کسری تخمیناً میشود باین تقصیل که متصرفی
دولت استرید و دوازده کرور سلطنت سرودینید هشت کرور و یکصد هزار
پادشاهی نیلپس چارده کرور و دو صد هزار متصرفی پاب بخکرور
یکصد هزار متصرفی سایر حکام چار کرور و دو صد و پنجاه هزار است و
سمت شمالی این مملکت میوه جات سرودسیری و طرف جنوبش مرکبات
و سایر میوه جات کرمسیری نیلکوبل میاید و رودخانهای معروفش
نود و پنج و تالیس و در نونت از دولت استرید مختصری ذکر کرده

اما سلطنت سرودینید

اصل عزیزه که محل توطن پادشاه است پنجاه و شش فرسخ طول و پست

دهفت فرسخ عرض دارد و اطول لیالی و ایامش چهارده ساعت و
 پنجاه و سه دقیقه است شکرش چهل و پنجاه است مایات و منافع و لایحه
 یازده کرد و دوازده فرسوزند چهار جنبگی دولتی و پنجاه و پانصد فرسوزند
 چهار تجارتی و از مشائزه کرده که در قرض دولت آنهاست شهرهای معروف
 این دولت تورین و الکسندریه و شمبری و جاده و کال است
 اکنون سلطان اینک و یکتا را منویل دو م است و قریب پانزده سال
 که پادشاه است و بعد از این سلطنت از شش هزار و صد و سی هجرت
 سلاطین ماضیه و مدت سلطنت آنها از این قرار است و یکتا را مدیوس
 سیزده سال چارلس منویل چهل و چهار سال و یکتا را مدیوس
 دوم بیست و چهار سال چارلس منویل دوم شش سال و یکتا را
 منویل اول سه سال ناپلیون اعظم نه سال و یکتا را منویل اول
 مجدداً هفت سال چارلس منویل سوم هفت و یازده سال

چار سیرالبرت هجده سال

اما سلطنت ولایات پاپ

که آنرا آف وی پاپ گویند یعنی سلطنتهای پاپ حکومت و سلطنتش

با قدرت پاپ خورانیاب خاطر حضرت عیسی مسیح دانند و

منافع بهشت دوزخ را در یافتند در خود می بیند اگر کسی بهشت را

خریدار شود یا برات آزادی از دوزخ خواهد میخورد این که خدمتی کند و

باید بدو نوشته برات میگیرد و سلسله و طریقه خلافت پاپ

به پطرس که یکی از حواریین حضرت عیسی علیه السلام است منتهی میشود

و پطرس چهل و دو سال بعد از ولادت حضرت عیسی بدعوت عباد

مشغول گردید و پس از نیت و چهار سال حسب الامر شاهنشاه روم

بدرجه شهادت رسید بعد از شهادت وی هشت نفر به نیابت

یکدیگر پی در پی بهدایت و ارشاد و ترویج مذهب عیسوی

کمال سعی و اجتهاد را داشتند و یکی ایشان بعبادت شهادت عايز
 شده اند شخص نهم که سنت بیست و نهم نام داشت بخلافت رسید آن را
 پاپ لقب کردند که عبارت از نایب خاص و خلیفه اعظم باشد
 علی ای حال لیدر پترس الی یومنا هدا و ولایت و هشتاد و دو نفر
 بر سنده خلافت نشسته اند و اکنون پاپ پیوس نهم است که حال
 قریب بیازده سالست جالس سنده خلافت است و او در هشتاد
 نفر نواب است همگی که پاپ را وفات رسید این هفتاد نفر در امارت
 مخصوص مجتمعند روزاً عمکاف دارند چون همه آراء و یا کشت گرا
 بر یکی در آن هشتاد نفر قرار گرفت تاج سلطنت بر سرش میگذرانند
 ولایات متصرفی پاپ شتمل بر قیمت وسطی ایتالیا است هشتاد
 فرسخ طول و پنجاه فرسخ عرض اوست شکرش هفت هزار و چهل
 صد نفر است مالیات و منافع ولایتی هشتاد و هشتاد و هشتاد

پنجاه و شش کرد و بیست و نه هزار جنگی دولتی و یکصد و هجده فرزند
هزار تجارت در زند با شصت باب شهر و دست اطول ایام و بیست و نه
ساعت و هفت دقیقه است و از شهرهای معروف معمور دنیا بسیار
باروش و زیارت است و بیست و نه دروازه و سیصد مناره عالی
و چندین کلیسای باشکوه دارد و کلیسای سنت پتر معروف و مشهور
در این شهر است که طولش دوست و پنجاه و دو ذراع و ارتفاعش یک
صد و پنجاه ذراع است در مدت یکصد و پنجاه سال با تمام رسیده و فرزند
پنجاه کرد و تومان صرف بنام آن گردیده و شهرهای مشهورش

انگوتما و قرار و بنک است

اما مملکت و سلطنت بنیاد

و است اصل جزیره سیبلی که مسکن و موطن پادشاه است پنجاه و
پنج فرسخ طول و سه فرسخ عرض است پنجاه و یک هزار شکر و هفتاد

فرزند چهار جنگی و پانصد چهار تجارتی و از مدتها در و قرض دولتی
 ایشانست چکر و رمایات و مدخل ولایت و پادشاهی و پادشاهی
 دوره اصل شهر قریب به فرخست ولی با دوره سواد شهر پنج
 فرسخ میشود که شامل چهار صد و پنجاه هزار نفوس است و شهرهای
 مشهورش طرنتو و فاجینه و سرتو و پرموهت و پادشاه
 این ولایت فرودینند دوم است قریب بیست سالست که پادشاه
 این ملک است و مبدع این سلطنت از نسل هزار و صد و پست و پنج
 هجریست و پادشاهان گذشته و ایام سلطنت ایشان از این قرار است
 و یخا راندیوس خیال چارلس دوم پست و پنج سال فرودینند
 چهارم چیل و نه سال جوسف برادر ناپلیون و دو سال فرشل موت
 هشت سال فرودینند اول یزده سال فرسیس اول خیال
 و قصبات معروفه ایالت صغیره ایتالیا فلارنس لکوزن و سینه

پسینا و ارزو و لوکا و مووناست دیگر از ممالک اروپائی

یونانست

که مستغنی الوصف است و از بلاد قدیمست و سعت این ملک یکصد و

سی و سه فرسخ تخمینا طول و یکصد فرسخ تقریباً عرض دارد و جمعیت

همه این ملک سه کرو رود و دویست هزار و شش هزار نوکر و دو کرو

مالیات و مدخل ولایتی ایشانست پست و چهار فرزند چهار دولتی

بخکی و شش صد فرزند چهار تجارتی دارند پست و شش کرو رود

دویست هزار رومان دولت ایشان مقروض است و عدد این خرابی

سی و هفت است که شش جزیره معمور شش تصرف دولت انگلیز است

تا چندی قبل جزو دولت عثمانی بود حال سلطانی مستقل دارد

که در حمایت روسیه و فرانسه و انگلیز بسر میرد و در سنه هزار و

دویست و سی و شش از سلطان محمود خان عثمانی باغی شدند از جانب

دولت روم مکرر لشکر بر این کشور فرستاد که کاری از پیش نبروند

بر حسب تخلف سایر دول خارجه دولت روم این مرز و بوم را از

دست داد حاکمی از اسپس مبدی که پدید بیاید و رفت از بهلا گتش

رسایند در سنه هزار و دویست و چهل و نه از شاهزادگان

مملکت بواریه بر حسب اعانت سایر دول پادشاه شد تا حال پادشاه

زمان سلطنتش تا اکنون هشتاد و هشت سالست و همیشه اثواب

و پاشخت یونان شهر آتنس است که اطول ایالی و ایامش چهارده

ساعت و چهل و چهار دقیقه است و شهر دیگر شکار نیست

دیگر از ممالک اروپائی مانند است

که در ندرش نیز گویند و واج هم اطلاق کنند و سعت این ملک

سوامی متصرفی خارجه چهل و سه فرسخ طول و چهل و سه فرسخ عرض دارد

نقوس این موطه خگر و در شصت هزار است یا نزده که در میان است و

و منافع ولایتی آنهاست لشکرش میت و سوار است بیست و یک هزار و یکصد و یک نفرند
بهازینگی دولتی و یک هزار و هشتاد و پنج تاجرتی شانزده هزار و هشتاد و پنجاه نفرند
ایشانست در سینه هزار و دویست و چهل و شش این سلطنت
و دولت برقرار کرده و پادشاه اکنون و نیم سیم است و پانزده شهر
بسیار است که اطول بیالی و این شش شانزده ساعت و نیم است و هرگاه
مشهورش است و مردم است که همگیش دویست و پنجاه هزار است
محل تجارت عامه و از شهرهای زیبا و نادره دنیا است و شهر
راژوم ویدن و بوتیکت در رودخانه معروفش رودخانه این است

و بلاد متصرفی خارجه این دولت

یک مجموعه از جزایر در بحر هندوستان است که معروف آنها جزیره مباحی
دینداست حاصل انچه از مرکبات و سایر میوه جات کر میری و اود
جات از قسطنطنیه و جزو سبب است و در سواحل انچه از

مرجان نیکو یافت میشود و اما اینخیز مسلمان و بت پرست است
 دیگر جزیره جواد سواحل این جزیره بتصرف ولندیز است و وسط
 جزیره بتصرف اهل خود اینخیزه است و شهر تباریه است که پادشاه این
 جزیره است بتصرف ولندیز است و جمعیتش پنجاه هزار و اطول
 لیالی و ایامش دوازده ساعت و پست و یک دقیقه است و جنوب
 نظر است حاصل اینخیزه برنج و پنبه و زیت و شکر و قهوه و کافور
 و عود و سایر میوه جات که میری مذربب اصلی اینخیزه است
 طولش دو بیت فرسخ عرضش هیل و دو فرسخ جمعیتش دوازده هزار
 دیگر جزیره چیلکو است حاصل اینخیزه برنج و سکه و که صمغ درخت
 که از اینخیزه بجهت مرضا و طفلان تربیت میدهند بسیار مقوی و نافع
 دیگر جزیره سلب است که شصت و دو بیت فرسخ طول و پنجاه فرسخ
 عرض دارد و حاصلش برنج و سکه و فلفل و ترپاک و پنبه است

وایش مانوس و مهربان و مهمان نوازند و دیگر جزیره لوت است که
بسیار بزرگ و وسیع است طولش سیصد و پنجاه فرسخ و عرض چنانچه
فرسخت و در آن جزیره معدن طلا و الماس و مس و آهنست و گوگرد
و شور و فراوانست برنج و نارچسپ و فلفل و خیزران و زردچوبه و
رنجپس و کافور و تنباکو حاصل آن جزیره است ندریب المالی آن
بت پرست و مسلمان و جمعیش شصتین چهارده کرده است و شجره آن
در این جزیره فراوان ثمره این درخت شنبه باد بجانست که از جوفش
چیزی آرد مانند پرون آورده خمیر کرده طنج مینمایند شنبه کلجیه
و مزنه نان میدهند المالی آنجا میخورد و میمون زیاد که مثل گریه زیاد معروف
زیاد از آن بعل میآید در آن جزایر موجود است دیگر جزیره بارینو است که
شصتین دو است و همشاد و سرنج طول و دو است و سیرنج عرض
دارد معدن الماس و سایر جواهرات دارد و وسط آن جزیره ایش

وحشی و بالای درختان منترل دارند شمیمنا هشت کرد جمعیت دارد
 که در هر ولایت بزرگی از خود دارند مگر سواحل جزیره که بتصرف
 و لذت است دیگر جزیره سابلست و دیگر جزیره تیمور است که شمیمنا هشت
 فرسخ طول و پست فرسخ عرض دارد حاصل آنجا عسل و صندل
 در برنج و قهوه و جای و شکر است دیگر جزیره بندور است که دور
 جزیره هشت فرسخ است و ساکنان این جزیره مسلمانند و دیگر جزیره نوب
 کنی است که شمیمنا چهار صد فرسخ طول و صد فرسخ عرض دارد
 و بالای آنجا وحشی و آدم خوار و در بسنکل و اشجار منترل دارند و بعضی جزیره
 دیگر هم است دیگر متصرفی این دولت در امریکا و هند الغرب سیرنم
 ولایتی است در امریکا و جنوب و جزیره کراکو و جزیره سنت یوستین
 و جزیره سیاه و جزیره ارلویا و جزیره سنت مرتین است که در

هند الغرب است

دیگر از ممالک اروپا ملک و دولت بی نوم است

وسعت این ملک پنجاه و سه فرسخ طول و هفت فرسخ عرض است

عدد نفوسش هفتصد و بیست و هفت هزار و سیصد و سی و نه نفر است

قرص دولتی ایشانست با پنجاه و سه پارسه است طول بیابانی و آبش

شازده ساعت و نوزده دقیقه است و شهرهای معروفش اینست و آنست

و کنت و مری و پارس و برنس و نیز شهر کنت پاست قدیم

این ملک است و در فرسخ و نشت شصت و نه دوره شهر است و اکنون پادشاه

نیویچ است و بدو این سلطنت از سنه هزار و دویست و چهل و شش تا

دیگر از ممالک اروپا بی مملکت جرمنی است

مملکت وسیعی است که دویست فرسخ طول و یکصد و هفتاد و فرسخ

عرض دارد و در از سنه سابقه پادشاهی این ملک معروف بود که حال

بسیار بدتر و ناسازگار یافته الحال بخندین قسمت منقسم است که قسمی

بدولت نما و خصمه بدولت پرورش و چند قسمت دیگر سلاطین و امرا

و حکام مملکتی مفوض و منقسم شده عدد نفوس این مملکت بمقادیر در است

و شهرهای معروف و مشهورش همبرگ و اندن و برمن و استنها

برگ و فریک فورت و کاتین جن و لوبک و زرم برگ و درزوند

و فرمبرگ و اسپیر و هسنور و لپنیک و کینست و

رودخانههای معروفش رودخانه دنیوب است درین ولایت و

وینر و آدر و مین است در رودخانه دنیوب طولش شصت

فرسخ و عرضش از یک فرسخ کمتر نیست و دیگر از حاکم

اروپا پولند است

که نه نیز گویند سابق دولت مستقلی بود ولی حال شصت و چهار

سالست که سلطنتش با خبر رسیده و میان سه دولت روسیه

و پروشیه و استریه تقسیم گردیده عدد نفوسش تخمیناً است

دشش